

سیمای شهر آرمانی

مرجان دخن | روزنامه‌نگار

پرونده

صبح‌ها از خانه بیرون می‌آیم، خیابان پر از جوان‌های است که هندز فروزی شوی گوش‌شان گذاشتند و انگار در یک عالم دیگر سیر می‌کنند. نیمکت پارک‌ها هم پر از افراد منسون است که وقتی از کنار شان دمی شوم، مدام حسرت‌هایشان را می‌شنوم و برای فلان محله‌ای که در طرح نوسازی شهری خراب شده و همه خاطراتشان را زیبین برده است، آه می‌کشنند. انگار هم‌هزار شلوغی و بی‌قوارگی شهر کلاف‌هایم و برای فرار از این کلاف‌گی هر روح‌ها با خاطرات‌مان بنای می‌بریم. چند وقت پیش در یک هماش حقوق شهرهایی، کارشناس انسان‌شناسی می‌گفت، شهر باشد، باید حسن داشته باشد، باید رنگ، بومده و صایر از شهر مال خودش باشد و گرنه نتیجه، بی‌هویتی شهرهای می‌شود و شهرهایی که بدان احساس تعلق نداشتند. دانستن همین یک جمله کافی است تا به فهمیم چرا در فرآمد و امدادهای شهری مان به مدرسه، دانشگاه، محل کاری‌ها را ترجیح می‌دهیم دور و بریان رانی‌بینیم با گرم‌بینیم از شکل و شمایل ساختمان‌ها و املاک خود را می‌خوبیم، احتمالاً اگر بخواهیم به توصیه کارشناس انسان‌شناس عمل کنیم بین صدای بوق و شلوغی شهر، نفس‌مان از سود و مزه گس سرب پر می‌شود و ساختن‌های بد ترکیب، یکی پس از دیگری جلوی چشم‌مان سوز می‌شوند. شهرها جلوه‌ای از هویت مردمان شان هستند که مشخصه‌های ظاهری هر کدام باید گویای و بیزگی‌های مردم‌بومی همان منطقه باشد. بافت سنتی شهرهای عنواین یکی از این مشخصه‌های ظاهری ایصال نه تنها در روند شهرسازی حفاظت نمی‌شود، بلکه قریانی نوسازی‌های شهری می‌شود. در پرونده‌اموزنده‌گی سلام‌سری به چند شهر زیبا و اصیل دنیا زده‌ایم که هویت منحصر به فرد خود را در طول سال‌ها حفظ کرده‌اند و از رنگ‌ولاعب هر کدام می‌توان اصلت و ماهیت مردم‌های منطقه را بخوبی دریافت. شهرهایی که باید دید، شنید، چشید، بوبید و لمس شان کرد.



خیوه، ازبکستان

شهر عطرنان

«خیوه» مهدی‌بکی از تمدن‌های بزرگ باستانی است. این شهر در حصار دیوارهای خشتی و گلی قلعه چهارگوش «آچان» قرار گرفته است که بخش داخلی شهر اشتبکی می‌دهد. خیوه‌تادوره قاجار جزئی از قلمروی ایران بود، به همین دلیل معماری آن متأثر از معماری ایرانی است و شباهت‌های بسیاری با پیزد دارد. دروازه، مسجد، مدرسه، آرامگاه، گرامبه، کاخ و خانه‌های سنتی، عناصر اسلامی شهر اشتبکی داده‌اند. درین مکان‌های عمومی شهر، شماره‌دار خوبی‌بیش از بقیه مکان‌هاست که به نسبت وسعت آن، کمتر شهری در این زمینه با خیوه بر ابری می‌کند. راه‌آورد این مولفه باز شهری، سر برآورده بزرگ‌تری همچون «خوارزمی» از این دیار است. اگرچه معماری خوش‌نظر این شهر به خوبی هویت مردمان آن رانمایی می‌کند اما خوبه از آن شهرهایی است که به محض ورود، باید آن را ببینیم، برای مردمان از این، نان یعنی همه چیز، سنت پخت‌نان در خیوه بک رسملی است که کن‌نان خیوه‌شیوه سنتی پخت آن را نسل هاست بدختان خود آموزش می‌دهند. این سنت درین مردمان خوبه‌به قدری بریشه‌دار و نافذ است که کن‌نمودن را در شهرسازی و معماری خانه‌هایی می‌توان مشاهده کرد. در میدان اصلی شهر، یک تئاتر و جوده‌دار که سالیان درازی است در آن نان پخته می‌شود. هر کدام از خانه‌های خیوه نیز توری سنتی برای پخت‌نان در دل زمین دارند.